

رسمیت قباله نکاح نسبت به صداق غیر منقول

فاطمه بحری^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی

طرح بحث

می‌دانیم که دفتر ثبت نکاح و قباله‌ای که به عنوان رونوشت این دفتر به زوجین تسلیم می‌شود، **سنه رسمی** است. زیرا نزد مأمور رسمی و در حدود صلاحیت او تنظیم شده است.^۱ از رسمی بودن این اسناد دو نتیجه اساسی به دست می‌آید: نخست این که تمام محتویات و امضاهای مندرج در این اسناد معتبر است؛ انکار و تردید در برابر آنها پذیرفته نمی‌شود و کسی که مدعی نادرستی این اسناد است، باید آن را به وسیله ادعای جعلیت اثبات کند.^۲ دوم این که مهریه و تعهداتی که ضمن ثبت ازدواج و طلاق شده، قابلیت اجرا دارد و ذی نفع می‌تواند از این دفاتر صدور اجرائیه را بخواهد. بنابراین زوجه می‌تواند جهت وصول مهریه‌اش به همان دفتر ازدواجی که ازدواج را ثبت کرده است، رجوع کند.^۳ اما سؤال این است که آیا قباله نکاح نسبت به صدق غیر منقول هم رسمیت دارد، به نحوی که زوجه بتواند به استناد آن اجرائیه صادر کند؟ یا این که ثبت دفتر ازدواج نسبت به صدق غیر منقول رسمیت ندارد و صرفاً به عنوان یک سند عادی تلقی می‌گردد؟

در این مورد، لازم است مقررات قانونی و آرای شورای عالی ثبت را مورد بررسی قرار دهیم:

۱. مطابق ماده ۲ قانون ازدواج مصوب مرداد ماه ۱۳۱۰: «قباله ازدواج و طلاقنامه در صورتی که مطابق نظامنامه‌های وزارت عدلیه به ثبت رسیده باشد، سند رسمی و الا سند عادی محسوب خواهد شد.»

۲. دکتر کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، ش ۸۰.

۳. دکتر مدنی، سید جلال الدین، آئین دادرسی مدنی، ج ۳، اجرای احکام، ص ۱۱.

الف) مقررات کلی

ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی که در صدد بیان اسناد رسمی است، از اسنادی که در دفاتر ازدواج و طلاق ثبت می‌شود، نامی نبرده است، اما ذیل همان ماده که در صدد ارایه ضابطه کلی است، مفید این معنی است که هر سندی که نزد مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها برطبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد، رسمی محسوب می‌گردد و در فرض ما نحن فیه هم صلاحیت سر دفتر محرز است و فرض هم بر این است که سند ازدواج مطابق مقررات مربوط صورت گرفته است. ماده ۲ قانون ازدواج سال ۱۳۱۰ هم علی الاطلاق مقرر می‌دارد: «قباله ازدواج و طلاقنامه در صورتی که مطابق نظام نامه‌های وزارت عدلیه به ثبت رسیده باشد، سند رسمی... محسوب خواهد شد.» و ماده ۱۵ نظام نامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق که در اجرای ماده ۱۹ قانون ازدواج توسط وزارت عدلیه تنظیم شده است، در تفسیر ماده ۲ قانون مذکور مقرر می‌دارد:

«اوراق عقد و طلاق که مطابق مقررات این نظامنامه به ثبت برسد سند رسمی بوده و تمام محتویات و امضاهای مندرجه در آن معتبر خواهد بود مگر این که معمولیت آن ثابت شود.»

همچنین در مورد قدرت اجرایی قباله نکاح در خصوص مهریه، به طور کلی و بدون این که تفکیکی بین منقول و غیر منقول قائل شود، اضافه می‌کند: «در مورد مهریه سند رسمی ازدواج بدون احتیاج حکمی از محاکم عدلیه، اجرائیه به تقاضای زوجه یا قائم مقام قانونی او صادر خواهد شد.»

بنابراین، مطابق عموماً ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی و همچنین اطلاق ماده ۲ قانون ازدواج و ماده ۱۵ نظام نامه راجع به آن، چنین مستفاد می‌شود که سند ازدواج نسبت به صدق غیر منقول هم رسمیت داشته و از مزایای آن از جمله اعتبار مندرجات و محتویات آن و قوه لازم الاجرائی مستفید می‌گردد.

ب) مقررات محدودکننده

بند چهارم آیین نامه متحد الشکل شدن ثبت ازدواج و طلاق، مصوب مرداد ماه

۱۳۱۱ وزارت عدلیه مقرر می‌دارد: «در مواردی که اموال غیر منقول مهر قرار داده می‌شود برای این که سند ازدواج نسبت به ملک هم رسمیت حاصل نماید اگر ملک ثبت شده باشد و صاحب دفتر ازدواج دارای دفتر اسناد رسمی هم باشد، بایستی ورقه ازدواج را در دفتر اسناد رسمی هم مطابق مقررات ثبت نموده و خلاصه آن را مطابق مقررات قانون و نظامنامه ثبت تهیه نموده به دفتر املاک بفرستد و اگر ملک ثبت نشده باشد بایستی سند ازدواج را در دفتر اسناد رسمی ثبت کند. در صورتی که صاحب دفتر ازدواج دارای دفتر اسناد رسمی نباشد، بایستی سند ازدواج را تحت مسؤلیت خود به یکی از دفاتر اسناد رسمی حوزه خود و اگر در آن حوزه دفتر اسناد رسمی نباشد به یکی از نزدیکترین دفاتر اسناد رسمی حوزه مربوطه ارسال دارد تا مطابق مقررات به ثبت برسد.»

بنابراین، ظاهر امر چنین است که تا وقتی که صداق غیر منقول در دفتر اسناد رسمی ثبت نشود، ورقه نکاح نسبت به ملک رسمیت ندارد و بر اساس آن ورقه اجراییه برای وصول کابین نمی‌توان صادر کرد.^۱

ج) آرای شورای عالی ثبت

در قضیه‌ای که شوهری در ورقه نکاح مبلغی صداق معین کرده بود و در مقام بیان بقیه صداق، تعهد کرده بود که ملک معین خود را که در رهن بانک بود، پس از فسخ سند رهن به موجب سند رسمی به عنوان جزو صداق به زوجه‌اش منتقل کند و اگر تخلف کند ده هزار تومان وجه التزام بدهد؛ زوج پس از فک وثیقه مجدداً آن را نزد بانک فرو گذاشت که به این ترتیب تخلف او از تعهد مذکور در ورقه نکاح محرز گردید. زوجه درخواست اجراییه برای وجه التزام کرد، ولی بند چهارم آیین نامه فوق الذکر در مورد ثبت برگ نکاح در دفتر اسناد رسمی رعایت نشده بود و این سؤال مطرح شد که آیا اجراییه مورد درخواست زوجه را می‌توان صادر کرد.^۲

۱. دکتر لنگرودی، محمد جعفر، دانشنامه حقوقی، ج ۲، ص ۶۱۷.

۲. همان مأخذ.

طرح سؤال از آن جهت است که اجرائیه براساس مدلول سند رسمی صادر می‌شود، لذا اگر تعهد شوهر برای دادن صداق غیر منقول در ورقه نکاح رسمیت داشته باشد می‌توان اجرائیه صادر کرد و اگر رسمیت نداشته باشد، نمی‌توان چنین کرد.

شورای عالی ثبت در مورخه ۴۳/۸/۲۸ نظر داده است که: «صداق غیر منقول اگر فقط در ورقه نکاح نوشته شده باشد، رسمیت ندارد و اجرائیه نمی‌توان صادر کرد.» اساس این رأی از آن جهت است که اداره ثبت اسناد، مدلول اسناد رسمی را اجرا می‌کند. تعهد به دادن صداق غیر منقول چون ثبت در دفتر اسناد رسمی نشده، به صورت مدلول سند رسمی در نیامده است. وجه التزام مذکور نیز، خسارت تخلف از تعهد مزبور است و به تبع رسمی شدن تعهد مذکور، رسمی می‌شود. لذا وقتی که آن تعهد رسمی نشده وجه التزام نیز رسمیت نیافته تا در ادارات ثبت قابل اجرا باشد. دفتر ازدواج باید ورقه نکاح را طبق ماده مذکور در دفتر اسناد رسمی به ثبت برساند تا بتوان به تقاضای راجع به صدور اجرائیه ترتیب اثر داد.^۱

قضیه دیگری نیز در این راستا اتفاق افتاد. بدین شرح که پس از صدور اجرائیه چک، مازاد ملک مدیون که در وثیقه بانک بود، به نفع دارنده چک بازداشت شد.

دارنده چک، طلب بانک را طبق ماده ۳۴ مکرر (تبصره دوم) داد و درخواست مزایده ملک را کرد و به مرحله صدور آگهی رسید. زوجه سند نکاح را ارایه داد که به موجب آن، ملک مورد وثیقه بانک که بازداشت شده است صداق او است، و در نتیجه به عملیات اجرایی اعتراض کرد. اداره اجرا به جهت این که صداق در دفتر اسناد رسمی ثبت نشده و سند نکاح نسبت به صداق، سند عادی است و در ادارات ثبت پذیرفته نیست، اعتراض ثالث اجرایی را رد کرد که مورد تأیید هیأت تجدید نظر هم واقع شد و شورای عالی ثبت در مرحله تجدید نظر به تاریخ ۱۳۴۳/۸/۲۸ اظهار داشت: «رأی هیأت تجدید نظر بی اشکال به نظر می‌رسد.»^۲

۱. دکتر لنگرودی، محمد جعفر، منبع اخیرالذکر، ج ۴، ص ۴۸۱.

۲. به نقل از دکتر لنگرودی، محمد جعفر، آراء شورای عالی ثبت و شرح آن، ص ۴۲۱.

مفاد نظر شورای عالی ثبت این است که چون سند نکاح نسبت به نقل صداق غیر منقول به زوجه سند عادی محسوب می‌گردد، لذا تاب تعارض با سند رسمی (سند وثیقه بانک) را ندارد و دارنده چک هم به عنوان قائم مقام بستانکار سند رسمی از حق تقدم مذکور مستفید می‌گردد.^۱

بند ج ماده ۱ آیین نامه اجرای مفاد اسناد لازم الاجرا و... مصوب ۱۳۵۵ وزارت دادگستری نیز تلویحاً رسمیت مندرجات قباله ازدواج را نسبت به صداق غیر منقول منتفی دانسته^۲ و صفت لازم الاجرا بودن را از آن سلب کرده است، این ماده مقرر می‌دارد:

«درخواست اجراء مفاد اسناد رسمی از مراجع ذیل به عمل می‌آید... ج- در مورد مهریه و تعهداتی که ضمن ازدواج و طلاق و رجوع شده، نسبت به منقول و سایر تعهدات (به استثنای غیر منقول) از دفتری که سند را تنظیم کرده است و نسبت به اموال غیر منقول که به ثبت دفتر املاک رسیده است، از دفتر اسناد رسمی تنظیم کننده سند.»

از طرف دیگر، از عبارت «باید سند ازدواج را تحت مسؤولیت خود به یکی از دفاتر اسناد رسمی... ارسال دارد تا مطابق مقررات به ثبت برسد.» مندرج در بند چهارم آیین نامه مذکور، چنین فهمیده می‌شود که موقع ثبت صداق غیر منقول در دفتر اسناد رسمی امضای زن و شوهر لازم نیست و امضای صاحب دفتر ازدواج کافی است. در همین مورد دستور داده شد که: در مواردی که صداق زوجه، غیر منقول است، هرگاه قباله ازدواج از حیث تشریفات کافی باشد، باید بی کم و کاست در دفتر اسناد رسمی ثبت شود؛ بدون این که نیازی به امضای زوجین و اشخاص دیگری که قباله ازدواج را امضا کرده‌اند باشد. ولی ذیل ثبت دفتر باید به امضای سردفتر و دفتریار برسد و در پشت قباله ازدواج، شماره و تاریخ ثبت دفتر نوشته شود و سردفتر و دفتریار آن را امضا

۱. دکتر لنگرودی، محمد جعفر، مرجع اخیر الذکر، همان صفحه.

۲. دکتر لنگرودی، محمد جعفر، دانشنامه حقوقی، ج ۲، ص ۶۱۷ به بعد.

کنند و سپس ممهور به مهر دفترخانه شده، خلاصه مربوطه برابر مقررات به ثبت محل فرستاده شود.

وقتی که امضای زوج و زوجه برای انتقال صداق در ورقه نکاح کافی باشد، گام مهمی در رسمیت انتقال صداق برداشته شده است.

بنابراین چنین نیست که ورقه نکاح از نظر انتقال صداق، یک سند عادی خالص باشد بلکه از این بند آیین نامه فوق الذکر که موضع دوگانه‌ای را نسبت به قباله نکاح در خصوص صداق غیر منقول اتخاذ کرده است، چنین استنباط می‌شود که از لحاظ آیین نامه مذکور، سند موصوف در نیمه راه رسمیت قرار گرفته است.

قضیه‌ای نیز در این راستا اتفاق افتاده است. پدری ملک خود را صداق عروس خود کرد و بعداً فوت کرد. سوآلی که به ذهن می‌رسد این است که آیا ثبت صداق در دفتر اسناد رسمی امکان دارد؟ علی الظاهر با احراز مالکیت وی در حین نکاح نباید اشکالی داشته باشد.^۱ در قضیه‌ای دیگر، سردفتر صداق غیر منقول را در دفتر اسناد رسمی به ثبت نرساند تا این که زوجه به استناد وکالتی که از شوهر داشت خود را به طلاق خلع مطلقه کرد. سردفتر پرسیده است که پس از وقوع طلاق آیا می‌تواند به تقاضای زوجه مطلقه و صرفاً با حضور و امضای او، صداق غیر منقول مذکور را در دفتر اسناد رسمی ثبت کند یا خیر؟

شورای عالی ثبت به تاریخ ۴۶/۳/۳۰ این گونه نظر داد که: «ثبت صداق که ضمن

نکاح رسمی واقع شده در دفتر املاک مانعی ندارد.»

در ما نحن فیه تردید سردفتر از آنجا ناشی شده که بین ثبت صداق در ورقه نکاحیه در دفتر ازدواج تا لحظه ثبت آن در دفتر اسناد رسمی مدت طولانی فاصله افتاده است. اما از آنجایی که تکلیف سردفتر به ثبت صداق غیر منقول در دفتر اسناد رسمی مدت ندارد لذا ثبت صداق در مورد سؤال تجویز شده است.

طرح ایراد و نتیجه گیری

از مطالعه مواد قانونی و مقررات آیین نامه‌های مربوط به صداق غیر منقول چنین به دست می‌آید که موضع یکسانی نسبت به این مطلب اتخاذ نشده است. از یک طرف از رسمیت قبالة نکاح در موضوع مسأله به نحو اطلاق سخن رفته است، (ماده ۲ قانون ازدواج و ماده ۱۵ نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۰) و از آن چنین فهمیده می‌شود که قبالة نکاح نسبت به مندرجات آن از جمله صداق غیر منقول از رسمیت برخوردار است و طبعاً از تمام مزایای یک سند رسمی اعم از اعتبار مندرجات و قوه اجرایی مستفید می‌گردد. و از طرف دیگر از مفاد سایر مواد مربوط چنین استنباط می‌شود که قبالة نکاح در نیمه راه رسمیت است و در مفهوم یک سند رسمی به معنای اخص با آثار ویژه آن قرار نمی‌گیرد. (بند ۴ آیین نامه متحد الشکل شدن ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۱ و بند (ج) ماده یک آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی).

اما به نظر می‌رسد که حکم بند ۴ آیین نامه متحد الشکل شدن ثبت ازدواج و طلاق، خارج از حیطه یک آیین نامه اجرایی باشد، زیرا از ماده ۱۹ قانون ازدواج بر نمی‌آید که وزارت عدلیه اختیار تصویب چنین حکمی را داشته باشد، بلکه آنچه از این ماده برمی‌آید این است که اختیار وزارت عدلیه تا حد تدارک شیوه لازم جهت اجرای قانون است و نه بیشتر.^۱ و حال آن که مفاد بند ۴ آیین نامه و به تبع آن بند ج ماده یک آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی، حکم صریح قانون را مقید کرده است و این امر از لحاظ قانونی صحیح به نظر نمی‌رسد و لذا تصور می‌رود که بتوان بطلان آن را از دیوان عدالت اداری خواست. اما باید توجه داشت تا زمانی که مقررات آیین نامه از طرف دیوان عدالت اداری ابطال نشده، مراجع اداری و ثبتی نمی‌توانند از عمل به آن استنکاف ورزند.^۲

۱. ماده ۱۹ آیین نامه مذکور مقرر می‌دارد: «نظام نامه‌های لازم برای اجرای این قانون را وزارت عدلیه تنظیم خواهد کرد.»

۲. برای آشنایی با نحوه تنظیم سند صداق غیر منقول، رک: مجله شماره ۵ کانون سردفتران و دفتریاران، مقاله نحوه تنظیم سند صداق غیر منقول.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی